

■ مشکل گشایی حضرت ابوالفضل (ع)

۱۲۰ سال پیش مردمان روستای مشهدقلی درکنار قنات پرآبی دورهم جمع شدند و چهار قلعه را بنا کردند. آن ها کشاورزان و دام پرورانی بودند که اگر برایشان مشکلی پیش می آمد، برای کارگشایی پیش ریش سفیدهای قلعه می رفتند. در روزگاری که کسی به درستی به خاطر ندارد، چهار قلعه دچار مشکلی می شوند که بزرگ ترها و ریش سفیدان به حضرت ابوالفضل (ع) توسل می کنند تا این مشکل برطرف شود. بعد از مدتی مشکل و گرفتاری قلعه برطرف می شود. این رفع گرفتاری سبب می شود که بزرگ ترها و ساکنان چهار قلعه، زمینی را که از همه لحاظ مطهر و بدون شک و شبهه ای بود، از صاحبش بخرند و بنای مسجد را در آن پایه گذاری کنند و همان طور که ذکر شد، به دلیل اینکه حضرت ابوالفضل (ع) سبب رفع گرفتاری و حل مشکل شده بود، اسم هیئت روستا را می گذارند هیئت ابوالفضل؛ البته حاجی احمدی آن موقع در مشهدقلی نبوده و این تعاریف را از بزرگ ترها شنید، زیرا او تا ۱۰ سالگی در شهرستان زندگی کرده است. خودش می گوید: «از زمانی که به این روستا آمدم، مسجد جواد الائمه (ع) و هیئت ابوالفضل ها وجود داشت. مسجد بنای گلی داشت، بدون اینکه گلدسته ای داشته باشد اما مردم چهار قلعه برای اقامه نماز و مراسم مذهبی به این مسجد می آمدند و امور مسجد با پول هایی که مردم می دادند، می گذشت. خودم برای کمک به مسجد، مزد یک روز کارم را می دادم که یک تومان بود.»

■ هیئت و عزاداری محرم

محرم برای کشاورزان و دام پروران این خطه کمی متفاوت تر از دیگر مردمان شهر است، زیرا به گفته حاجی احمدی، آن ها باید از طلوع خورشید تا غروب آفتاب روی زمین ارباب کار می کردند و بعد از آن برای مراسم عزاداری آماده می شدند: «باید تا دیروقت کار می کردیم؛ به همین خاطر دو یا سه ساعت بیشتر نمی خوابیدم، زیرا باید دوباره برای کار آماده می شدیم و به سر زمین می رفتیم، با این حال هیچ وقت عزاداری امام حسین (ع) یا سایر مراسم مذهبی را تعطیل نمی کردیم. در سایر شب ها هم قرآن می خواندیم.»

■ نذری یا

حاجی احمدی شب هایی را که برای محرم عزاداری می کردند، به خوبی به یاد دارد که بعد از مراسم، هیئت ها بدون پذیرایی شدن به خانه هایشان روانه می شدند. او با خودش عهد می کند که از سال آینده شام شب تاسوعا را بدهد و این قرار ساده و بی ریامبنای نذری پنجاه ساله می شود که او هر سال آن را با جان دل ادا می کند: «اعضای هیئت ها بعد از مراسم، روانه خانه شان می شدند. یک شب به دلم افتاد که از سال آینده شام

را به عهده بگیرم. آن زمان توان مالی نداشتم، چون کشاورز ساده ای بودم که تمام دخل و خرج زندگی ام از راه فروش محصولات زمینم می گذشت، با این وجود از سال آینده اش، بانی مجلس شدم. ۱۵ کیلو گوشت برای حلیم آماده کردم و دو من آرد که خمیر کردم برای نان. اولین بار با این مقدار کم، هیئت را شام دادم اما هر سال بر این ارقام اضافه شد تا حالا که ۵۰ کیلو گوشت برای ۵۰ کیلو حلیم و ۱۰ کیلو بلغور گندم برای شام هیئت آماده می کنم. علاوه بر این ۱۰ کیلو لپه، ۱۰ کیلو گوشت گاو و... درکنارش برای قیمة حلیم آماده می شود.» یکی از خصوصیات دیگ حلیم حاجی احمدی که آن را از سایر نذری ها متمایز می کند، این است که خودش گوشت را از چهار ماه قبل محرم خریداری و بزرگ می کند. علوفه دام را خودش با همان گاری چوبی و قاطرش از صحرای اطراف تهیه می کند و برای حیوان ها می آورد، حتی گندم، محصول زمین خودش است: «از همان اولین سالی که نذر را آماده کردم، با خودم عهد کردم آنچه در راه امام حسین (ع) خرج می کنم، باید طیب و پاک باشد؛ به همین خاطر خمس مال، زکات و سهم امام را هر سال از درآمد جدا می کنم و بعد از آن، گوشت و بقیه ملزومات را خریداری می کنم.»

■ ماجرای گوشت های نذری

خودش می گوید نمی دانم اسم این اتفاق را چه باید بگذارم. خودتان هر چه می خواهید، اسمش را بگذارید: «چند سال قبل طبق روال سال های قبل، پنج گوشت خریدم. یکی از هم محله ای ها آمد و گفت که یکی از گوشتدان را به من بده. هر چه گفتم برای دیگ نذری گرفته ام، فایده ای نداشت. مرا در رودری بایستی گذاشت و آخر سر یک گوشت را برد. چند روز بعد یکی از بستگانم آمد و او هم با اصرار فراوان یک گوشت را برد. با خودم گفتم امسال دیگر فرصتی برای خرید گوشت و پرورش ندارم. گوشت دیگرمان کم است و باید از بازار گوشت تهیه کنم. روز موعود فرا رسید و آشپزی که از روز اول، آشپزی مراسم را قبول کرده است و از هم محله ای ها است، آمد. رفتم که گوشت ها را بیاورم برای ذبح. دیدم به جای سه گوشت، چهار گوشت در حیاط است. آمدم داخل خانه و از دخترم پرسیدم آیا آن ها در حیاط را باز گذاشته اند و گوشت دیگری وارد حیاط شده، آن ها گفتند خیر، مادر را باز نگذاشته ایم. از طرفی در حیاط قفل بود و کلیدش دست خودم بود. سه گوشت را برای ذبح بردم و ماجرا را برای پابنده، آشپزمان، تعریف کردم. او گفت برو گوشت دیگر را بیاور تا ذبح کنیم. اگر صاحبش پیدا شد، پولش را می دهی. گوشت را آوردم و ذبح کردم. شام را توزیع کردیم اما هیچ کس به دنبال گوشت نیامد.»

■ بی نیاز از مال دنیا

حاجی احمدی زندگی ساده و درویشی اش را به زندگی پرتجمل ترجیح می دهد و با خنده می گوید: «وقتی با گاری ام برای جمع آوری علوفه می روم یا به سر زمینم می روم، اهالی می گویند حاجی! ماشین شاسی بلندت کجاست؟ به آن ها می گویم این گاری و قاطرم از تمام ماشین های شاسی بلند برایم بیشتر ارزش دارد. با همین گاری ام به اندازه همان ماشین آخرین سیستم عشق می کنم.»

■ هیئت ۱۵۰ ساله ابوالفضل ها

صحبث از هیئت صد و پنجاه ساله می شود که محمد محمدزاده، مسئول هیئت ابوالفضل ها، از آداب و رسوم خاص این هیئت می گوید: «در هیئت ابوالفضل ها آیین عزاداری، درون مایه های سنتی و دست نخورده ای دارد. در این هیئت، خرافه پر دازی یا تندروی وجود ندارد، چون هیئت عجب با مسجد محله است و همیشه روحانی مسجد بر مراسم عزاداری و برگزاری آداب و رسوم نظارت دارد.» یکی از مراسم ویژه این هیئت، علم بندان است: «علم این هیئت یک تیرک چوبی است و خبری از علم های سنگین فلزی با شکل حیوانات و علم های تجملاتی در این هیئت نیست.» برافراشتن علم در شب اول محرم در محله، خبر از ورود کاروان سیدالشهدا (ع) و آغاز مصائب نوه پیامبر می دهد. علم را ریش سفیدان که همگی سیاه پوش هستند، طی مراسم باشکوهی با گلاب شستشو می دهند و آماده می کنند.»

■ مراسم تزیین علم

محمدزاده اشاره می کند: «هر آنچه به علم می آویزند، دارای بار معنایی خاصی است. خود علم به تنهایی یادآور علمدار کربلاست و ۷۲ قطعه پارچه ای که بر آن می بندند، نماد یاران امام حسین (ع). اعضای هیئت بعد از تزیین، دور علم حلقه زده و به رسم همیشه شال عزا بر کمر خویش می بندند و به صورت زنجیروار از شال های هم می گیرند و دور علم می چرخند و شروع به عزاداری می کنند. علم روبه قبله در حیاط مسجد قرار گرفته و تا عصر عاشورا بر پاست. در ظهر عاشورا نیز مراسم خیمه سوزان برگزار می کنند و قبل از به آتش کشیدن خیمه ها دور علم حلقه زده و با اشعار حماسی، مصیبت و گریه، علم را بر زمین می گذارند؛ درست مانند ظهر عاشورا که علم از دست ابوالفضل العباس (ع) بر زمین افتاد.»

■ مراسم حسن، حسین زدن

یکی دیگر از مراسم هیئت ابوالفضل ها که محمدزاده به آن اشاره می کند، مراسم حسن، حسین است: «این سنت سینه زنی هر شب بعد از روزه خوانی و به خصوص در ظهر عاشورا دور علم و با مداحی ذاکر هیئت انجام می شود. مردها با دست چپ، کمر یا شال عزای نفر دیگر را می گیرند و با دست راست بر سینه می زنند و هم زمان به دور علم می گردند. سینه زنان برای مدد گرفتن از خاندان پیامبر (ص) در حین مداحی، نام های متبرک امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را هماهنگ زمزمه می کنند.»



■ ۳ خادم قدیمی هیئت

«در این هیئت افراد بسیاری خدمتگزار عزاداران حسینی هستند. در این میان سه نفر از آن ها موسفید کرده هیئت هستند که از آن جمله حاج احمدی است که با بیش از ۵۰ سال نذری شب تاسوعایش، همه او را به خوبی می شناسند.» محمدزاده، نفر بعدی را حاج آقا پابنده معرفی می کند و درباره او می گوید: «از همان روزی که حاجی احمدی نذرش را شروع کرد، حاجی پابنده هم آشپزی اش را به عهده گرفت. او برای آشپزی ابتدا وضو می گیرد و در عین در سست کردن هم ذکر مصیبت می خواند. او معتقد است که باید پاک و طیب و طاهر برای عزاداران آشپزی کرد. نفر سوم که از بزرگان هیئت ماست، حاج آقا علیرزاده است. ایشان پدر شهید هستند و نزدیک ۵۰ سال است که روضه خوانی هیئت را به عهده دارند.»

■ مراسم تاسوعا و عاشورا حسینی

مراسم تاسوعا و عاشورا هم در این هیئت رسم خاصی دارد که محمدزاده درباره آن می گوید: «هیئت ابوالفضل روز تاسوعا بعد از خواندن نماز صبح و خواندن زیارت عاشورا از مسجد محله، حرکت می کند و تا ابتدای محله می رود و علم در جلو، پرچم هیئت پشت سر و عکس های شهدای جنگ بعد از آن قرار دارد و در ادامه افراد بر اساس سن و سالشان به زنجیری می پردازند و در ابتدای محله ماشین هایی را که از قبل آماده شده است، سوار می شوند و به سمت حرم مطهر می روند و مراسم را آنجا ادامه می دهند و ظهر موقع نماز به مسجد محله بر می گردند. در روز عاشورا نیز به همین شکل، هیئت در محله، حرکت می کند و این بار به سمت مزار شهدای بولوار توس رفته و بعد از بازگشت و اقامه نماز و صرف ناهار، مراسم خیمه سوزان و سینه زنی بر دور علم را برگزار می کنند. هنگام غروب دهم محرم هم به روشن کردن شمع و مراسم سینه زنی در محله می پردازند.»